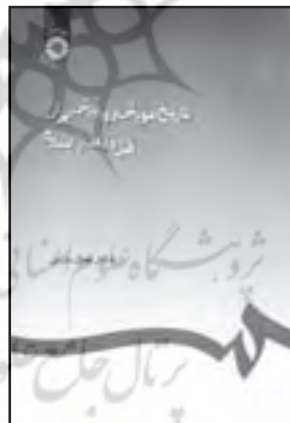


میراث آموزش

بسیاری معتقدند که تاریخ مادر تمامی علوم است. این اعتقاد از اینجا نشأت می‌گیرد که تمامی علوم دارای پیشینه و گذشته‌ای هستند و میراث هر دوره‌ای از آن علم به دوران دیگر به یادگار می‌ماند و این اندوخته ارزشمند در دوره جدید تکمیل می‌شود و به دوران پس از آن می‌رسد و بدین ترتیب علم پیشرفت می‌کند. دانشمندان و دانشجویان تمامی علوم در کنار یادگیری مسائل روز و اطلاعات و آگاهی‌های نوین آن علم همواره نیم‌نگاهی نیز به گذشته‌ی علم خود دارند و تغییرات و تحولات آن علم را در آینه‌ی زمان به نظاره می‌نشینند. از این‌رو، در برخی از دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک دنیا، دروسی با پیشوند تاریخ تدریس می‌شود. مانند تاریخ پرستاری، تاریخ پزشکی، تاریخ شیمی و تاریخ حسابداری و... چنین وضعیتی در علوم انسانی و اجتماعی و تربیتی بسی پررنگ به نظر می‌رسد. مطالعه تاریخ علوم بخشی از تخصص مورخان است. تاریخ‌نگاری نوین بررسی صرف تاریخ سیاسی را نمی‌پذیرد و همواره مورخان گذشته را به خاطر چنین خطای بزرگی نکوهش می‌کند. در تاریخ‌نگاری امروزی، بررسی تاریخ اجتماعی و فرهنگی یک سرزمین و یک ملت از ارزشمندترین نوع تحقیقات تاریخی محسوب می‌شود و کم‌کاری مورخان گذشته در این خصوص کار مورخان امروزمین را بسی سخت‌تر ساخته است.

کتاب «تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام» اثری آموزشی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی است که در آن علم تربیت در ایران موضوع پژوهش تاریخی قرار گرفته است. چنین پژوهشی را می‌توان نوعی تاریخ فرهنگی و اجتماعی قلمداد کرد. دامنه‌ی وسیع این تحقیق آن را از پژوهش‌های جزئی و تخصصی‌تر امروزی دور ساخته است. اما قرارگیری این اثر در زمره کتب درسی چنین عملی را موجه‌تر جلوه می‌دهد. چراکه به نظر می‌رسد صفحات متعدد و مطالب بسیار برای یک کتاب درسی می‌تواند برای دانشجویان خسته‌کننده و ملال‌آور باشد. در حالی که گنجاندن مهم‌ترین و ارزشمندترین اطلاعات در قالب

سجاد حسینی
کارشناس ارشد تاریخ از دانشگاه تهران



- تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام
- دکتر کمال درّانی
- تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، ۱۴۱ صفحه

کتاب «تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام» اثری آموزشی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی است که در آن علم تربیت در ایران موضوع پژوهش تاریخی قرار گرفته است

میراث آموزش

یک کتاب درسی، روند آموزش را تسریع و تقویت می‌کند. دکتر درانی در اثر خود از منابع متعدد فارسی و لاتین بهرمند گشته است. اما این منابع، اکثراً تحقیقی و دست دوم می‌باشند و کمبود بهره‌گیری از منابع دست اول چون کتب، روزنامه‌ها و اسناد تاریخی در این کار پژوهشی کاملاً مشهود است. کتاب مذکور با پیشگفتار نویسنده آغاز می‌گردد. درانی در این بخش از کتاب از چیستی، ماهیت و فلسفه علم تاریخ سخن به میان می‌آورد. بنا بر اعتقاد وی «با تحقیق و مطالعه گذشته می‌توانیم از آینده پیشی بگیریم و حال را درک کنیم.»^۱ از این رو، نویسنده تاریخ را بنیان‌شناسی مسائل اجتماعی حال و آینده می‌داند.^۲ وجود مطالب و جملات متعدد داخل گیومه در بخش‌های مختلف کتاب به چشم می‌خورد. این وضعیت هرچند بر امانت‌داری نویسنده تأکید دارد، اما این اثر را از پژوهش‌های تحقیقی امروزی اندکی دور کرده و در معرض آفت بزرگی بنام تاریخ‌نویسی چسب و قیچی^۳ قرار داده است.

فصل نخست این کتاب، کلیات پژوهش انجام‌یافته را دربرمی‌گیرد. این فصل از دو زیربخش «تاریخ و رابطه آن با آموزش و پرورش» و «تعریف قلمرو تاریخ آموزش و پرورش» تشکیل یافته و در آن از انواع تاریخ (تاریخ نقلی، تاریخ علمی و تاریخ فلسفی) بحث شده است.^۴ نویسنده تاریخ نقلی را پایه تاریخ‌های علمی و فلسفی می‌داند. بنابر عقیده وی تاریخ علمی، تاریخی است که در آن قوانین بین حوادث و تحولات تاریخی مکشوف می‌گردد. تاریخ فلسفی نیز در پی چگونگی «شدن» تمدن‌ها و جوامع است. در واقع نویسنده عقاید مورخان تجربه‌گرا را انعکاس داده است.^۵ به هر حال چنین بحث‌های گسترده‌ای در باب فلسفه تاریخ در مجالی چنین کوتاه ممکن نیست. فلسفه تاریخ دنیای بسی پهناور است که نویسنده این کتاب تنها بخش کوچکی از آن را به روی دانشجویان علوم تربیتی گشوده و تنها دیدگاهی از دیدگاه‌های رایج در این رشته تخصصی از علم تاریخ را بیان داشته است. دکتر درانی در بیان انواع تاریخ از تاریخ هنر، ادیان، سازمان‌ها و مؤسسات و آموزش و پرورش یاد کرده است. وی در خصوص اهمیت تاریخ آموزش و پرورش می‌نویسد: «هر

تأمل و تفکری در اندیشه و روند نظام تربیتی، بدون بررسی سیر تاریخی آن محکوم به شکست است.»^۶

نویسنده در ادامه تاریخ آموزش و پرورش را بررسی چگونگی روند اجتماعی کردن انسان از لحاظ تاریخی می‌داند و آن را به زیرشاخه‌های مختلفی مانند تاریخ اندیشه‌های تربیتی، تاریخ سازمان‌های تربیتی و تاریخ روش‌ها و فنون تدریس تقسیم می‌کند.^۶

در فصل دوم کتاب، تاریخ آموزش و پرورش ایران در قبل از اسلام مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. نویسنده در بخش نخست این فصل به معرفی اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران باستان پرداخته و از مهاجرت و استقرار اقوام آریایی در ایران، اوضاع اجتماعی و فرهنگی مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان سخن به میان آورده است.^۷ با این همه، بررسی مواردی چون مدپرستی و تجمل‌مادها، نظام کشاورزی و مسائل سیاسی اواخر هخامنشیان، اوضاع سیاسی دوران اسکندر و نظام اداری پارتیان در کتابی که عنوان تاریخ آموزش و پرورش را دارد زائد به نظر می‌رسد. در حالی که می‌شد به جای آن، ابعاد دیگری از فرهنگ و اجتماع دوره‌های مذکور را که ارتباط بیشتری با آموزش و تربیت داشت مورد مطالعه قرار داد. نویسنده در ادامه به بررسی وضعیت آموزش و پرورش عهد ساسانی می‌پردازد و در ابتدا شمه‌ای از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران را ترسیم می‌نماید.^۸ در بخش دوم این فصل، وضعیت آموزش و پرورش در ایران باستان مورد کنکاش قرار می‌گیرد. دکتر درانی در تبیین اهداف آموزش و پرورش در ایران باستان به بررسی امور محوری چون تأثیر و نفوذ زرتشت^۹، نفوذ دولت، اهمیت و نقش تربیت بدنی می‌پردازد.^{۱۰} نویسنده این کتاب با تأکید بر فقدان آموزش و پرورش عمومی در ایران باستان^{۱۱} از تحولات نظام آموزشی در دوران غلبه سلوکیان و سپس دوران اشکانی سخن به میان می‌آورد. بنا بر نوشته وی، پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی اواسط ساسانی وضع آموزش و پرورش عمومی را نسبتاً بهبود بخشید اما با این وجود همچنان توده‌های مردم، تهیدستان شهری و روستاییان از داشتن نعمت سواد محروم بودند.^{۱۲}



مفصل به بررسی دانشگاه بین‌المللی جندی شاپور در دوران ساسانی پرداخته است.^{۱۶}

در فصل سوم کتاب موضوع آموزش و پرورش ایران در بعد از اسلام بررسی شده و در بخش نخست آن اوضاع اجتماعی- فرهنگی ایران از صدر اسلام تا حمله مغول مورد پژوهش قرار گرفته است.

نویسنده در ابتدای این فصل فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در بعد از غلبه اعراب مسلمان و در دو دوره بنی امیه و بنی عباس را ترسیم نموده است.^{۱۷} وی در ادامه ضمن بررسی آموزش و پرورش صدر اسلام، از اهمیت آموزش در دین اسلام سخن به میان آورده است.^{۱۸}

مکتب موضوع پژوهش در بخش دیگر این فصل می‌باشد و در آن به موضوعات گوناگونی چون تاریخچه، برنامه و نظام آموزشی و اهداف مکتب پرداخته شده است.

نویسنده در بخش بعدی با بررسی مدارس عالی در این دوره، سازمان مدرسه علی‌الخصوص مدارس نظامیه را مورد توجه ویژه قرار داده است. در آخرین بخش از این فصل کتاب، اوضاع اجتماعی و فرهنگی و آموزشی ایران از حمله مغول تا تماس ایران با اروپا پژوهش گشته که بیشتر تاریخ تعلیم و تربیت دوره‌های مغول و صفویه را شامل می‌شود و بر نظام آموزشی در دو قالب تصوف و تشیع تأکید شده است.^{۱۹}

فصل چهارم کتاب که در واقع آخرین فصل آن می‌باشد به

در ادامه این کتاب، جایگاه دین در نظام آموزش و پرورش ایران باستان به گونه‌ای دقیق‌تر مورد مطالعه قرار گرفته و در چندین صفحه اعتقادات دینی آریایی‌ها از ابتدا تا دوران ساسانیان مطرح گشته است.^{۲۰} با وجود معرفی نسبتاً کامل آیین‌های زرتشت، بودا و مزدک، هیچ اشاره‌ای به بحث آموزش در این ادیان نشده است. دکتر درانی بخش دیگری از کتاب را مختص موضوع تأثیر

دین زرتشت در آموزش و پرورش کرده و برنامه‌ریزی این دین برای تربیت کودک از قبل از تولد تا بزرگسالی را بیان داشته است. وی همچنین بخشی از آموزه‌های مندرج در کتب مقدس این دین راجع به اهمیت تعلیم و تربیت را در کتاب خود انعکاس داده است که از آن جمله می‌توان به جمله زیر اشاره نمود: «اگر شخص بیگانه، یا هم‌کیش یا برادر یا دوست برای تحصیل دانش و هنر نزدش آید، او بپذیرد و آنچه خواهد بدو بیاموزد.»^{۲۱}

بخش دیگری از کتاب حاضر، به جایگاه خانواده و طبقات اجتماعی^{۲۲} در آموزش و پرورش مربوط می‌شود. نویسنده با بیان وجود نظام طبقاتی در ایران باستان، معتقد است که این نظام در آموزش و پرورش کودکان نیز دخیل بوده است. وی در توضیح مبحث آموزش عالی در ایران باستان آورده است: «منابع به دست آمده نشان دهنده نوعی آموزش عالی در این دوره است که بیشتر جنبه نظامی، سیاسی، اقتصادی را مد نظر داشت.

البته این امر بدین معنی نیست که آموزش عالی نظام و سازمان روشن و مشخصی داشت.» وی پس از آن به گونه‌ای

میراث آموزش

نویسنده تاریخ آموزش و پرورش را بررسی
چگونگی روند اجتماعی کردن انسان از لحاظ تاریخی
می‌داند و آن را به زیرشاخه‌های مختلفی مانند تاریخ
اندیشه‌های تربیتی، تاریخ سازمان‌های تربیتی و
تاریخ روش‌ها و فنون تدریس تقسیم می‌کند

- موضوع نظام آموزش و پرورش جدید در ایران اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای این فصل به بررسی شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجار پرداخته و بنیان‌های تاریخ نظام آموزشی جدید ایران را در بازتاب روابط ایران با اروپا جستجو نموده است.
- وی در این باره چنین اظهار نظر کرده است: «شکست‌های مکرر ایران در مقابل تجاوزات حکومت تزاری روسیه یکی از مهمترین عوامل روی آوردن ایرانیان به دانش و معارف اروپا و در نتیجه ایجاد نخستین مدارس از نوع اروپایی شد.»
- وی در ادامه به موضوعات برجسته‌ای چون تأسیس نخستین مدرسه سبک جدید ایران توسط رشديه در تبریز، انجمن معارف ایران، دارالفنون و دانشگاه تهران پرداخته است.^{۲۰}
- پی‌نوشت:**
۱. کمال دزانی، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، (تهران: سمت، ۱۳۸۵)، ص ۲.
 ۲. دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، استاد تاریخ دانشگاه تهران، نیز چنین اعتقادی در خصوص تاریخ دارند. ایشان همواره چنین مطرح می‌سازند که هیچ تاریخی برای مردم زمان گذشته نوشته نشده است و همواره مورخان تاریخ را برای مردم زمان خود و آیندگان می‌نگارند. از این رو سودمندی و اهمیت تاریخ را باید در حال و آینده جستجو کرد. طبری کتاب تاریخش را برای مردم پیش از خود نگاشت بلکه او برای توانمندی در تفسیر قرآن و حل مسئله‌ای از مسائل زمان حال خود به تاریخنگاری روی آورد.
 ۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹)، ص ۱۶۲.
 ۴. دزانی، ص ۷-۳.
 ۵. مایکل استنفورد در این خصوص چنین اظهار نظر می‌کند: این پرسش برای دانشمندان باقی است که آیا قوانین طبیعت یافت شده در فیزیک و شیمی برای تبیین پدیده‌های زیستی و اجتماعی که زمان نقش محوری در آنها دارد، مناسب است؟
 - در تاریخ هیچ قانونی وجود ندارد. تاریخ موضوعی است گسترده و گیج کننده که به نظمی نظری نیاز دارد، اما سرسختانه در مقابل هر چیزی از این نوع مقاومت می‌کند. ر.ک: مایکل استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه: احمد گل‌محمدی، (تهران: نشر
۹. ن. (۱۳۸۴)، ص ۲۵۱؛ مایکل استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه: مسعود صادقی، (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، صص ۱۱۴ و ۱۱۳.
۶. دزانی، همان.
۷. همان، صص ۱۹-۱۱.
۸. همان، صص ۲۴-۲۰.
۹. دین در ایران همواره بستری برای رشد و شکوفایی آموزش و پرورش اقشار گوناگون جامعه بوده است. در چنین بستری علاوه بر الهیات و علوم دینی، علوم دنیوی نیز امکان تعالی می‌یافت. بدین علت بسیاری از زبده‌ترین دانشمندان علوم دنیوی چون شیعی، فیزیک، ریاضیات، نجوم، پزشکی و... در علوم دینی چون فقه، حدیث، کلام و... تبحر داشتند.
۱۰. دزانی، ص ۲۵.
۱۱. در برخی از دوره‌ها چون عهد ساسانی، آموزش و پرورش در انحصار طبقات بالای جامعه بود و طبقات پایین‌تر حق آموزش را نداشتند. داستان انوشیروان و کفاش که حاضر بود در قبال تعلیم و تربیت فرزندش مخارج سپاه وی را بدهد؛ به خوبی اوضاع آموزش آن عهد را ترسیم می‌نماید. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، ج ۶، (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۷۶)، صص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ آرتور کریستنسن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: رشید یاسمی، (تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۲)، صص ۳۳۱ و ۳۳۰.
۱۲. دزانی، ص ۲۸.
۱۳. همان، صص ۳۵-۳۲.
۱۴. همان، صص ۳۹ و ۳۸.
۱۵. تا زمانی که آریاها در سرزمین اصلی بودند، رسم طبقات یا کاست معمول نبود و پس از مهاجرت به هند و فلات ایران و برخورد با بومیان آن دو کشور و نیز توسعه نژاد ایشان رسم طبقاتی نیز در میان آنان معمول گردید. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: عزت الله نودری، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، (تهران: خجسته، ۱۳۸۱)، ص ۳۴.
۱۶. دزانی، صص ۵۲-۴۳.
۱۷. همان، صص ۵۸-۵۵.
۱۸. همان، صص ۶۳-۶۰.
۱۹. همان، صص ۱۱۰-۷۶.
۲۰. همان، صص ۱۳۶-۱۱۱.